

Comparing Sexual Satisfaction and Emotional Divorce Between Couples Going Through Divorce and Normal Couples Living in Bandar Abbas, Iran

*Eslami P¹, Sheibani F²

Author Address

1. MA in General Psychology, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran;

2. PhD in General Psychology, Assistant Professor, Department of General Psychology, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran.

*Corresponding Author's Email: parnia.eslami@iauisirjan.ac.ir

Received: 2022 May 17; Accepted: 2022 August 29

Abstract

Background and Objectives: Divorce is a stressful experience in life and is considered one of the ten stressful life events. Efficient and effective emotional and sexual interactions play an important role in a couple's married life. Emotional divorce is the first step in the formal divorce process and is a hidden and unregistered phenomenon in many couples who are not officially separated—they live together without feelings. Six components have been proposed for female sexual function and satisfaction: sexual desire (sexual desire), sexual arousal, lubrication or hydration (arousal stability), orgasm, satisfaction, and pain. Sex is a complex and multifaceted phenomenon that includes biological, psychological, interpersonal, and individual characteristics. Considering that in emotional divorce, the positive emotions and feelings of the couple for each other diminish and are replaced by negative emotions, and the couple's sexual satisfaction with each other decreases, it is necessary to study this issue. This study aimed to compare sexual satisfaction and emotional divorce in couples asking for a divorce with normal couples living in Bandar Abbas, Iran.

Methods: The research method was causal-comparative. The study population included all couples asking for a divorce and normal couples in Bandar Abbas in the summer of 2019. The couples asking for divorce were selected as the sample group through the available sampling method. After matching for gender and education, 160 normal couples were also selected by the available sampling method. The couples responded to the Sexual Satisfaction Questionnaire (Larson et al., 1998) and Emotional Divorce Questionnaire (Gutman, 1994). Descriptive and inferential statistics were used to analyze the obtained data. Descriptive statistics include mean and standard deviation. Also, after checking the assumption of normality of data distribution, the independent t test was used in SPSS version 22 software at a significance level of 0.05.

Results: The results showed that couples asking for a divorce and normal couples had significant differences in sexual satisfaction and its components (desire to have sexual relations, sexual attitude, quality of sexual life, sexual compatibility) ($p < 0.001$) and emotional divorce and its components (separation and distance from each other, feeling of loneliness and isolation, need for company and conversation, feeling of boredom and restlessness) ($p < 0.001$). Couples asking for divorce scored lower in sexual satisfaction than normal couples, while in emotional divorce, the score of divorcing couples was higher than normal couples.

Conclusion: Based on the research findings, there is a significant difference between the two groups of divorcing couples and normal couples in sexual satisfaction and emotional divorce and all their components. Therefore, it is necessary to design emotional and sexual interventions in relation to reducing the marital problems of couples.

Keywords: Divorce, Emotional divorce, Sexual satisfaction, Couples.

مقایسه رضایت جنسی و طلاق عاطفی در زوجین در حال طلاق و زوجین عادی در شهرستان بندرعباس

*پرنیا اسلامی^۱، فاطمه شیبانی^۲

توضیحات نویسندگان

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران؛
۲. دکترای روان‌شناسی عمومی، استادیار گروه روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران.
*وابانامه نویسنده مسئول: parnia.eslami@iauisirjan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۷ شهریور ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: تعاملات هیجانی و جنسی کارآمد و مؤثر دارای نقشی مهم در زندگی زناشویی زوجین است. شناسایی کاستی‌ها در این زمینه در سازگاری زوجین و کاهش میزان طلاق، تأثیر بسزایی دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی مقایسه رضایت جنسی و طلاق عاطفی در زوجین در حال طلاق و زوجین عادی در شهرستان بندرعباس بود.

روش بررسی: روش تحقیق از نوع علی‌مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین متقاضی طلاق و زوج‌های غیرمتقاضی (عادی) شهر بندرعباس در تابستان سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۶۰ زوج متقاضی طلاق به‌عنوان گروه نمونه در نظر گرفته شدند. به‌منظور مقایسه پس از هم‌سازی از نظر جنسیت و سطح تحصیلات، ۱۶۰ زوج عادی نیز به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری پرسش‌نامه رضایت جنسی (لارسون و همکاران، ۱۹۹۸) و پرسش‌نامه طلاق عاطفی (گاتمن، ۱۹۹۴) بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی مستقل در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ در سطح معناداری ۰/۰۵ صورت گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، بین دو گروه زوجین در حال طلاق و زوجین عادی، در رضایت جنسی و همه مؤلفه‌های آن (تمایل به برقراری روابط جنسی، نگرش جنسی، کیفیت زندگی جنسی، سازگاری جنسی) ($p < ۰/۰۰۱$) و طلاق عاطفی و همه مؤلفه‌های آن (جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم‌صحبت، احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری) ($p < ۰/۰۰۱$) تفاوت معناداری وجود داشت. نمره زوجین در حال طلاق در رضایت جنسی کمتر از زوجین عادی بود؛ درحالی‌که در طلاق عاطفی نمره زوجین در حال طلاق بیشتر از زوجین عادی به‌دست آمد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، بین دو گروه زوجین در حال طلاق و زوجین عادی در رضایت جنسی و طلاق عاطفی و همه مؤلفه‌های آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد؛ بنابراین لزوم طراحی مداخلات عاطفی و جنسی در ارتباط با کاهش مشکلات زناشویی زوجین ضروری است.

کلیدواژه‌ها: طلاق، طلاق عاطفی، رضایت جنسی، زوجین.

ازدواج^۱ به عنوان رویداد هیجان انگیزتر و پراسترس تر مهم برای زندگی هر انسانی قلمداد می شود و فرایندی پویا و پیوسته در حال تغییر است که گاهی به مدت چند سال، احتمالاً تا زمان مرگ همسر و گاهی تا زمانی که طلاق^۲ رخ دهد، ادامه می یابد (۱). طلاق، تجربه ای استرس زا در زندگی است و آن را جزو ده رویداد فشارزای زندگی در نظر گرفته اند (۲). بررسی شواهد آماری و تحقیقاتی در کشور نشان می دهد، در سال های اخیر آمار طلاق بسیار افزایش یافته است. این آمار در استان هرمزگان نیز زیاد است؛ به طوری که در سال ۱۳۹۰، تعداد ۱۹۷۴ طلاق در استان هرمزگان ثبت شد که در مقایسه با سال قبل، ۱۲/۶۱ درصد افزایش داشت (۳).

اما طلاق پیچیده تر از آن چیزی است که به نظر می رسد. در واقع با وجود شیوع زیاد طلاق، آمار بسیار بیشتری به طلاق عاطفی^۳ اختصاص دارد. طلاق عاطفی اولین گام در فرایند رسمی طلاق به شمار می رود و پدیده ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از زوجها است که در آن ها به طور رسمی از هم جدا نمی شوند؛ با این حال، آن ها بدون هیچ احساسی با یکدیگر زندگی می کنند (۴). طلاق عاطفی مرحله ای در یک رابطه است که در آن احساسات مثبت عشق و محبت با افزایش احساسات خشم، ناامیدی، رنجش، تنفر، صدمه یا نفرت و درک اینکه احساسات مثبت برای همیشه از بین می رود، جابه جا می شوند (۵). طلاق عاطفی با پیامدهای منفی متعددی در جنبه های مختلف مرتبط در نظر گرفته شده است. افرادی که طلاق را تجربه می کنند، ممکن است با تعارض های فردی و بین فردی مواجه شوند. در این میان مسائل مختلفی همچون هویت سردرگم، فقدان امید، تغییر در سبک زندگی، مسائل جدی تر شبکه های اجتماعی و کسب و کار در نتیجه طلاق رخ می دهد؛ علاوه بر این، فرزندان در نتیجه طلاق عاطفی پیامدهای بیشتر جسمانی و روان شناختی را متحمل می شوند (۶).

عوامل متعددی ممکن است در بروز طلاق عاطفی و گسترش آن نقش داشته باشد که از همه مهم تر می توان به رضایت جنسی^۴ اشاره کرد. شش مؤلفه درباره عملکرد و رضایت جنسی زنان مطرح کرده اند که عبارت است از: میل جنسی (تمایل فرد به انجام فعالیت جنسی)؛ برانگیختگی جنسی؛ لغزنده سازی یا رطوبت سازی (ثبات برانگیختگی)؛ ارگاسم یا اوج لذت جنسی؛ رضایت؛ درد. رابطه جنسی، پدیده ای پیچیده و چندوجهی است که شامل خصوصیات بیولوژیک، روانی، بین فردی و فردی می شود (۷). رضایت جنسی، ساختاری گسترده و درهم تنیده با رضایت زناشویی است. رضایت جنسی نیز عاملی کلیدی در سلامت جنسی و سلامت کلی فرد است که به صورتی مثبت با عزت نفس، بهزیستی، شادکامی و رضایت شغلی ارتباط دارد (۸).

باتوجه به نقش اساسی رضایت جنسی به نظر می رسد بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین غیرمتقاضی تفاوت معناداری وجود داشته باشد. در این زمینه تحقیقات نشان دادند، مسائل جنسی از موضوعات

مهم تر مرتبط با رضایت زناشویی است (۹، ۱۰). علاوه بر این در پژوهش هایی مشخص شد، بین زنان متقاضی طلاق و زنان عادی در مشکلات جنسی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که، محمدصادق و همکاران در مطالعه ای کیفی به بررسی تجربه مشکلات جنسی در زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک پرداختند. آن ها هفت مضمون اصلی شامل رابطه جنسی، مشارکت جنسی، طرح واره های جنسی، ارتباطات بین فردی زوجین، تمایلات جنسی، جذابیت جنسی و شرایط زندگی را شناسایی کردند (۱۱).

طلاق، تجربه ای استرس زا در زندگی است. بررسی شواهد آماری و تحقیقاتی در کشور نشان می دهد، در سال های اخیر آمار طلاق بسیار افزایش یافته است. زوجینی که طلاق عاطفی را تجربه می کنند، با تعارض های زناشویی مواجه می شوند و رضایت جنسی آن ها نیز تحت تأثیر قرار می گیرد. باتوجه به اینکه در طلاق عاطفی، عواطف و احساسات مثبت زوجین برای یکدیگر کم رنگ شده و احساسات منفی، جایگزین احساسات مثبت می شود و به همان نسبت رضایت جنسی زوجین از یکدیگر کاهش می یابد، بررسی این موضوع ضروری به نظر می رسد. براساس مطالب مذکور و نیز کمبود پژوهش های انجام گرفته در ارتباط با متغیرهای این پژوهش در داخل کشور در این زمینه، هدف پژوهش حاضر مقایسه رضایت جنسی و طلاق عاطفی در زوجین در حال طلاق و زوجین عادی در شهرستان بندرعباس بود.

۲ روش بررسی

روش پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه ای بود. جامعه پژوهش را تمامی زوجین متقاضی طلاق و زوج های غیرمتقاضی (عادی) شهر بندرعباس در تابستان سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. با استفاده از شیوه نمونه گیری دردسترس و با مراجعه به مراکز مشاوره خانواده در شهرستان بندرعباس، از بین ۲۸۵ زوج متقاضی طلاق، براساس جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۱۶۰ زوج متقاضی طلاق به عنوان نمونه انتخاب شدند (۱۲). همچنین از طریق همتاسازی از نظر سن، جنسیت و میزان تحصیلات با زوجین متقاضی طلاق، تعداد ۱۶۰ زوج به عنوان گروه زوجین عادی به صورت دردسترس انتخاب شدند. معیار ورود شرکت کنندگان به تحقیق این بود که فرد نمونه باید متقاضی طلاق باشد. ملاک خروج شرکت کنندگان از مطالعه نیز تکمیل نکردن پرسش نامه ها بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بود: تمامی شرکت کنندگان به طور شفاهی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل مشارکت کردند؛ این اطمینان به آزمودنی ها داده شد که تمامی اطلاعات آن ها محرمانه می ماند و به منظور رعایت حریم خصوصی آنان ثبت نمی شود.

برای جمع آوری داده ها ابزارهای زیر در این مطالعه به کار رفت.

– پرسش نامه رضایت جنسی^۵: در این پژوهش به منظور سنجش رضایت جنسی زوجین از پرسش نامه رضایت جنسی طراحی شده توسط لارسون و همکاران در سال ۱۹۹۸ استفاده شد (۱۳). این پرسش نامه دارای ۲۵ گویه است و پاسخ ها در طیف لیکرتی پنج گزینه ای (از هرگز

4. Sexual satisfaction

5. Sexual Satisfaction Questionnaire

1. Marriage

2. Divorce

3. Emotional divorce

گزارش شد. برای به‌دست‌آوردن روایی سازه، تحلیل عاملی به‌روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری به‌کار رفت و بدین‌صورت چهار عامل شناسایی شد: جدایی و فاصله از یکدیگر؛ احساس تنهایی و انزوا؛ نیاز به همراه و هم‌صحبت؛ احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری. بار عاملی همه گویه‌ها در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشت و بار عاملی مقبول داشتند. روایی صوری آن نیز به تأیید رسید (۱۵). براساس پژوهش بیات‌مختاری، پس از ترجمه مجدد این پرسش‌نامه، از چهار نفر از متخصصان در این زمینه، نظرخواهی و روایی صوری آن تأیید شد. میزان پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ، برای شاهر ۰/۹۱ و برای زن نیز ۰/۹۱ به‌دست آمد (۱۶).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش‌های آمار توصیفی و استنباطی به‌کار رفت. آمار توصیفی شامل شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار است. همچنین پس از بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون تی مستقل در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد.

۳ یافته‌ها

تحلیل داده‌ها به‌منظور بررسی مقایسه رضایت جنسی و طلاق عاطفی در زوجین در حال طلاق و زوجین عادی صورت گرفت. بدین‌منظور روش‌های آماری میانگین، انحراف معیار و آزمون تی مستقل به‌کار رفت. نخست برخی از پیش‌فرض‌های مهم‌تر بررسی شد و نتایج نشان داد، داده‌های مربوط به متغیرها نرمال بود ($p > 0.05$). همچنین آزمون لون به‌منظور بررسی مفروضه یکسانی واریانس‌ها برای هر دو متغیر و مؤلفه‌های آن معنادار نبود ($p > 0.05$)؛ بنابراین این مفروضه نیز تأیید شد. آزمون ام‌باکس به‌منظور بررسی همسانی ماتریس‌های واریانس‌کوواریانس هر دو متغیر و مؤلفه‌های آن بررسی شد و چون مقدار معناداری آزمون ام‌باکس از ۰/۰۵ بیشتر بود، نتیجه گرفته شد که ماتریس واریانس‌کوواریانس برابر بود ($p > 0.05$). در جدول ۱، شاخص‌های میانگین و انحراف معیار طلاق عاطفی و مؤلفه‌های آن به‌تفکیک دو گروه مطالعه‌شده و نتایج آزمون تی مستقل گزارش شده است.

با نمره ۱ تا همیشه با نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. براساس این پرسش‌نامه، نمره‌ها به‌طور کلی بین ۲۵ تا ۱۲۵ قرار می‌گیرد. نمرات بین ۲۵ تا ۵۰ به‌منزله نبود رضایت جنسی، ۵۱ تا ۷۵ رضایت جنسی کم، ۷۶ تا ۱۰۰ رضایت جنسی متوسط و ۱۰۱ تا ۱۲۵ رضایت جنسی زیاد است. لازم به ذکر است که گویه‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴ و ۲۵ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود؛ به این صورت که هرگز نمره ۵ و همیشه نمره ۱ دریافت می‌کند. این پرسش‌نامه دارای چهار زیرمقیاس تمایل به برقراری روابط جنسی (۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳)، نگرش جنسی (۳، ۵، ۱۲، ۱۴، ۱۹، ۲۵)، کیفیت زندگی جنسی (۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۴) و سازگاری جنسی (۱، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۲۱) است (۱۳). پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و روایی محتوایی و صوری آن مطلوب گزارش شد (۱۳). در پژوهش بهرامی و همکاران، ثبات درونی سؤالات پرسش‌نامه رضایت جنسی به‌روش آلفای کرونباخ، بیشتر از ۰/۷۰ بود. روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به‌دست آمد که چهار عامل (تمایل به برقراری روابط جنسی، نگرش جنسی، کیفیت زندگی جنسی، سازگاری جنسی) با ارزش ویژه بیشتر از یک را نشان داد. چهار عامل پنهان ۵۳/۲۱ درصد کل واریانس را تبیین کردند (۱۴).

– پرسش‌نامه طلاق عاطفی^۱: در این پژوهش به‌منظور سنجش طلاق عاطفی، پرسش‌نامه طلاق عاطفی ارائه‌شده توسط گاتمن در سال ۱۹۹۴ به‌کار رفت (۱۵). این پرسش‌نامه دارای ۲۴ گویه است. سؤالات به‌صورت بلی و خیر جواب داده می‌شود. بعد از جمع‌کردن پاسخ‌های بلی و خیر، اگر تعداد پاسخ‌های بلی برابر با هشت یا بیشتر از هشت باشد، نشان‌دهنده نارضایتی زندگی زناشویی و طلاق عاطفی است؛ به این معنا که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار دارد و علائمی از طلاق عاطفی در او مشهود است. این پرسش‌نامه دارای چهار زیرمقیاس جدایی و فاصله از یکدیگر (۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۴)، احساس تنهایی و انزوا (۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳)، نیاز به همراه و هم‌صحبت (۹، ۱۱، ۱۲، ۲۲) و احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری (۱، ۶) است (۱۵). پایایی پرسش‌نامه، ۰/۹۳

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی طلاق عاطفی و مؤلفه‌های آن به‌تفکیک دو گروه و نتایج آزمون تی مستقل

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	مقدار p
جدایی و فاصله از یکدیگر	طلاق	۸/۵۹	۲/۵۳	۴/۲۷	< ۰/۰۰۱
	عادی	۴/۳۲	۴/۴۲		
احساس تنهایی و انزوا	طلاق	۹/۹۸	۱/۵۴	۶/۴۱	< ۰/۰۰۱
	عادی	۳/۸۵	۲/۰۹		
نیاز به همراه و هم‌صحبت	طلاق	۶/۰۳	۲/۱۲	۵/۸۶	< ۰/۰۰۱
	عادی	۱/۹۵	۱/۶۴		
احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری	طلاق	۵/۳۹	۱/۵۹	۴/۶۵	< ۰/۰۰۱
	عادی	۱/۸۰	۰/۸۲		
مقیاس کلی طلاق عاطفی	طلاق	۱۶/۸۷	۴/۶۷	۷/۶۱	< ۰/۰۰۱
	عادی	۹/۰۶	۳/۳۶		

^۱ Emotional Divorce Questionnaire

کل، بین زوجین دو گروه تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0.001$) و نمره زوجین عادی کمتر از زوجین در حال طلاق بود. در جدول ۲، شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد رضایت جنسی و مؤلفه‌های آن به تفکیک دو گروه مطالعه شده و نتایج آزمون تی مستقل گزارش شده است.

باتوجه به جدول ۱، میانگین نمرات زوجین در حال طلاق در متغیر طلاق عاطفی و مؤلفه‌های آن بیشتر از گروه زوجین عادی بود. در ادامه برای بررسی تفاوت طلاق عاطفی و مؤلفه‌های آن‌ها در زوجین در حال طلاق و زوجین عادی از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد، بین جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت، احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری و طلاق عاطفی

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی رضایت جنسی و مؤلفه‌های آن به تفکیک دو گروه و نتایج آزمون تی مستقل

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	مقدار p
تمایل به برقراری روابط جنسی	طلاق	۱۶/۲۸	۴/۱۳	-۳/۹۶	<0/001
	عادی	۱۹/۱۹	۴/۱۵		
نگرش جنسی	طلاق	۲۲/۵۴	۳/۹۳	-۵/۳۴	<0/001
	عادی	۲۷/۷۰	۴/۳۹		
کیفیت زندگی جنسی	طلاق	۲۴/۸۹	۶/۳۸	-۴/۶۳	<0/001
	عادی	۲۸/۶۶	۶/۳۸		
سازگاری جنسی	طلاق	۱۸/۲۴	۴/۹۷	-۹/۶۹	<0/001
	عادی	۲۷/۴۹	۴/۵۴		
مقیاس کلی رضایت جنسی	طلاق	۸۰/۱۰	۱۷/۶۱	-۱۰/۶۷	<0/001
	عادی	۹۰/۸۸	۱۷/۵۲		

اختلالات جنسی، رضایت جنسی زوجین تأمین خواهد شد. از طرف دیگر آگاهی‌داشتن درباره نیازهای همسر و درک توانایی‌ها و ناتوانی‌های او می‌تواند به سازگاری زناشویی هرچه بیشتر در زوجین منجر شود (۱۸).

همسران با طلاق عاطفی، سازگاری کمتری در روابط اجتماعی دارند و نیز اعتماد به نفس ضعیف‌تری را تجربه می‌کنند. سازگاری زوجین در نتیجه عواملی مانند ابراز علاقه و محبت و عشق ورزیدن به یکدیگر، رضایت جنسی، احترام متقابل و اختلاف‌نداشتن در نگرش، شکل می‌گیرد؛ بنابراین انسجام زوجین می‌تواند موجب افزایش سازگاری بین آن‌ها شود. بیشتر بودن انسجام روانی در خانواده تضمین‌کننده همدلی، تعهد و ایجاد پیوند عاطفی بین اعضا است که این امر موجب افزایش توجه به هم و رضایت بیشتر می‌شود (۱۹).

زوجی که از صمیمیت بیشتری برخوردار است، می‌تواند نیازها و درخواست‌های خود را به نحوی مؤثرتر برای شریک زندگی خود مطرح کند و خود را بهتر عرضه می‌کند. زوجینی که صمیمیت بیشتری دارند، از عهده مشکلات خود بهتر برمی‌آیند و رضایت و شادی بیشتری احساس می‌کنند و تعهد بیشتری به یکدیگر دارند. این تعهد موجب ایجاد اعتماد به یکدیگر می‌شود و توجه بیشتر به همسر را فراهم می‌آورد؛ همچنین دارای انعطاف‌پذیری بیشتری در روابط با یکدیگر هستند و رضایت جنسی بیشتری را احساس می‌کنند. اختلاف موجود بین زن و شوهر و نبود علاقه و عشق در خانواده موجب بروز مشکلات روان‌شناختی می‌شود و زوجین را به سمت نارضایتی جنسی و طلاق عاطفی سوق می‌دهد (۲۰).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد، بین زوجین دو گروه تفاوت معناداری در مؤلفه‌های طلاق عاطفی وجود داشت و نمره زوجین عادی به صورت معناداری کمتر از زوجین در حال طلاق بود. این یافته

باتوجه به جدول ۲، میانگین زوجین در حال طلاق در متغیر رضایت جنسی و مؤلفه‌های آن کمتر از گروه زوجین عادی بود. در ادامه برای بررسی تفاوت رضایت جنسی و مؤلفه‌های آن‌ها در زوجین در حال طلاق و زوجین عادی از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج مشخص کرد، بین تمایل به برقراری روابط جنسی، نگرش جنسی، کیفیت زندگی جنسی، سازگاری جنسی و رضایت جنسی کل، بین زوجین دو گروه تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0.001$) و نمره زوجین عادی بیشتر از زوجین در حال طلاق بود.

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه بین رضایت جنسی و طلاق عاطفی زوجین در حال طلاق و عادی بود. نتایج نشان داد، بین زوجین دو گروه تفاوت معناداری در مؤلفه‌های رضایت جنسی وجود داشت و نمره زوجین عادی به صورت معناداری بیشتر از زوجین در حال طلاق بود. این یافته با نتایج تحقیق محمدصادق و همکاران همسوست. آن‌ها دریافتند، میزان رضایت جنسی در زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین عادی کمتر است (۱۱). همچنین شونفلد و همکاران، در پژوهش خود نشان دادند، میزان رضایت و فراوانی جنسی زوجین با میزان رضایت از زندگی ارتباط دارد (۹). در این پژوهش، تحقیق ناهمسویی مشاهده نشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، رضایت جنسی زیاد و نگرش جنسی مثبت پیامدهایی به دنبال دارد که شامل افزایش رفتارهای جنسی سالم، منظم بودن و انسجام داشتن در برنامه روابط جنسی، افزایش توانایی‌های مقابله‌ای در برخورد با اختلالات جنسی، افزایش آگاهی درباره نیازهای همسر و افزایش درک درقبال توانایی‌ها و ناتوانی‌های همسر می‌شود (۱۷)؛ در نتیجه رفتارهای جنسی سالم، منظم بودن و انسجام داشتن برنامه روابط جنسی و افزایش توانایی‌های مقابله‌ای در برخورد با

نیز با نتایج تحقیقات مالری (۱) و اباذری و براتی احمدآبادی (۲۱) مبنی بر طلاق عاطفی در زوجین متقاضی طلاق، همسوست.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، این نوع طلاق که با مفهوم دل‌زدگی زناشویی همپوشانی بسیار زیادی دارد، وضعیتی است که در آن، احساسات منفی خشم، ناامیدی، زیان، رنجش، تنفر و دشمنی جایگزین احساسات مثبت عشق و علاقه متقابل در روابط زوجین می‌شود. این وضعیت در طول زمان اتفاق می‌افتد و شدت آن می‌تواند از زوجی به زوج دیگر متفاوت باشد. بر این اساس، زندگی زناشویی در زیر یک سقف ادامه خواهد یافت؛ اما روابط عاطفی زوجین کیفیت مطلوب ندارد. این وضعیت می‌تواند تا آخر عمر زوجین ادامه یابد یا در مرحله‌ای به طلاق قانونی ختم شود (۴). درواقع طلاق عاطفی را مقدمه‌ای برای طلاق واقعی و رسمی در نظر گرفته‌اند و در نظریات مختلف، آغازی برای طلاق عنوان شده است. لازم به ذکر است که سناریوی طلاق، معرکه‌ای ناگهانی نیست؛ بلکه فقدان تدریجی تعاملات هیجانی و طلاق عاطفی، زمینه‌ساز طلاق رسمی است. این در حالی است که در زوجین در حال طلاق، روابط صمیمانه و مؤثر تاحد زیادی ضعیف شده است (۶). علل متعددی می‌تواند در بروز ناسازگاری زناشویی تأثیرگذار باشد که در این زمینه از همه مهم‌تر، نبود تعامل هیجانی کارآمد بین زوجین است. تعامل هیجانی کارآمد به منزله واکسینه‌کردن همیشگی زوجین در نظر گرفته می‌شود که در زمان تعارض قادر است به بهترین نحو زوجین را به سبک‌های مقابله‌ای کارآمد تجهیز کند. باتوجه به این مطالب، کم‌بودن توانایی حل تعارض‌ها و کشمکش‌ها میان زن و مرد و نبود حمایت عاطفی ازهم سبب دامنه‌دارشدن اختلاف‌ها می‌شود و پیامد چنین روندی می‌تواند طلاق عاطفی باشد که خود ممکن است به طلاق واقعی بینجامد (۷). زمانی که زوجین زندگی و مسائل و مشکلات آن را مدیریت‌پذیر و درک‌شدنی بدانند، در برخورد با آن دچار استیصال و ناتوانی نمی‌شوند و تلاش می‌کنند این امور را به‌صورت منطقی حل کنند. این زوجین در موقعیت‌های بحران، به‌دنبال کشف راه‌حل برای مشکل موجود هستند، انعطاف بیشتری نشان می‌دهند و با گفت‌وگو با همسر خود بسیاری از باورهای غلط را دور می‌اندازند و راهبردهای مناسب و جایگزینی برای حل مشکل به‌کار می‌برند. آنان درک می‌کنند که منابع مناسبی را برای رویارویی با مشکل دارند (مانند صمیمیت و همدلی) و برای مدیریت‌کردن موقعیت استرس‌زا آن‌ها را استفاده می‌کنند. این سبک نگرش به زندگی موجب می‌شود تا احساس انسجام زوجین افزایش یابد و طلاق عاطفی نیز کم شود (۲۱).

پژوهش حاضر در شهر بندرعباس انجام گرفت و در تعمیم نتایج آن به شرایط دیگر باید به تشابه موقعیتی و تفاوت‌های فرهنگی توجه شود. همچنین از ابزارهای خودگزارش‌دهی برای سنجش رضایت جنسی و طلاق عاطفی استفاده شد که می‌تواند تحت‌تأثیر نظرات شخصی زوجین باشد. علاوه‌براین، ممنوع‌بودن^۱ مسائل و موضوعات جنسی محقق را با مشکلات فراوانی درجهت توجیه آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش و محرمانه‌ماندن اطلاعات مواجه کرد.

در پایان پیشنهاد می‌شود مداخلات در زمینه طلاق عاطفی، بیشتر مبتنی بر ارتقای عملکرد جنسی زوجین و افزایش آگاهی جنسی آن‌ها باشد. باتوجه به اهمیت موضوع طلاق عاطفی در ساختار خانواده ایرانی، پیشنهاد می‌شود در شورای اجتماعی فرهنگی زنان، کارگروهی تخصصی از متخصصان روان‌شناسی و سایر رشته‌های تخصصی تشکیل شود. همچنین باتوجه به نمره کمتر زوجین در حال طلاق در رضایت جنسی، می‌توان عواملی همچون دانش و نگرش جنسی ضعیف و ناتوانی در ابراز تمایلات جنسی را مؤثر در نظر گرفت؛ بنابراین درمانگران و مشاوران خانواده می‌توانند با تکیه بر یافته‌های چنین پژوهش‌هایی کلاس‌ها و کارگاه‌های مؤثری به‌منظور افزایش دانش جنسی زوجین در پیش از ازدواج و در خلال آن طراحی کنند.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، بین دو گروه زوجین در حال طلاق و زوجین عادی در رضایت جنسی و طلاق عاطفی و همه مؤلفه‌های آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. نمره زوجین در حال طلاق در رضایت جنسی کمتر از زوجین عادی است؛ درحالی‌که در طلاق عاطفی نمره زوجین در حال طلاق بیشتر از زوجین عادی است. باتوجه به نتایج حاصل، لزوم طراحی مداخلات عاطفی و جنسی در ارتباط با کاهش مشکلات زناشویی زوجین ضروری است.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان و همچنین اساتید محترم، سپاسگزاری می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس است. همچنین این مقاله در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به شماره نامه ۷۵۴/۴۶۵۵۲۱۰۵ به تصویب رسیده است. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به‌شرح ذیل بود: تمامی شرکت‌کنندگان به‌طور شفاهی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل مشارکت کردند؛ این اطمینان به آزمودنی‌ها داده شد که تمامی اطلاعات آن‌ها محرمانه می‌ماند و به‌منظور رعایت حریم خصوصی آنان ثبت نمی‌شود.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول نگارش و بازبینی مقاله را بر عهده داشت. نویسنده دوم در آنالیز و تفسیر داده‌ها و ارائه ایده پژوهشی و طراحی مطالعه سهیم بود.

^۱ Taboo

References

1. Mallory AB. Dimensions of couples' sexual communication, relationship satisfaction, and sexual satisfaction: a meta-analysis. *J Fam Psychol*. 2022;36(3):358–71. <https://doi.org/10.1037/fam0000946>
2. Nikoogoftar M. Marital conflicts with emotional divorce by mediating the role of intimacy in married women; examining a causal model. *Islamic Life Style*. 2021;5(1):117–25. [Persian]
3. National Organization for Civil Registration, Hormozgan Province General Civil Registration Office. Analytical report of marriage and divorce events with emphasis on national and international demographic indicators of Hormozgan province; 2013. [Persian] <https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset87/ez.t110%20nn.pdf>
4. Mirzadeh Koohshahi F, Rezaei A, Najaf M. Construction and validation of Emotional Divorce Scale in Iranian population. *Pract Clin Psychol*. 2019;7(1):53–62. [Persian] <http://dx.doi.org/10.32598/jpcp.7.1.53>
5. Hashemi L, Homayuni H. Emotional divorce: child's well-being. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2017;58(8):631–44. <https://doi.org/10.1080/10502556.2016.1160483>
6. Mehrjoo E, Hashem L. The risk of physical and psychological abuse with children in families involved in emotional divorce and formal divorce. *Indian Journal of Positive Psychology*. 2018;9(3):364–7. <https://doi.org/10.15614/ijpp/2018/v9i3/181033>
7. Ghazanfari Shabankare M, Heidari A, Makvandi B, Marashian FS. The relationship of mindfulness and difficulties in emotion regulation with emotional divorce through sexual satisfaction among married university students in Ahvaz, Iran. *J Shahrekord Univ Med Sci*. 2021;23(1):7–13. <https://doi.org/10.34172/jsums.2021.02>
8. Lee JT, Hu YL, Meston CM, Lin HH, Tseng HM. The Sexual Satisfaction Scale for Women (SSS-W): adaptation and validation of a traditional Chinese version in Taiwan. *J Sex Marital Ther*. 2019;45(3):179–89. <https://doi.org/10.1080/0092623X.2018.1494649>
9. Schoenfeld EA, Loving TJ, Pope MT, Huston TL, Stulhofer A. Does sex really matter? examining the connections between spouses' nonsexual behaviors, sexual frequency, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Arch Sex Behav*. 2017;46(2):489–501. <https://doi.org/10.1007/s10508-015-0672-4>
10. Nami Pasvisheh H, Mazloomi M. Comparison of sexual knowledge, sexual satisfaction and marital adjustment in the men and women filing for divorce in Tehran, Iran. In: International Conference on The Culture of Psychopathology and Education [Internet]. Tehran, Iranian Psychological Association, Al-Zahra University; 2016. [Persian]
11. Mohammadsadegh A, Kalantar-Kosheh M, Naeimi E. The experience of sexual problems in women seeking divorce and women satisfied with their marriage: a qualitative study. *J Qual Res Health Sci*. 2018;7(1):35–47. [Persian] https://jqr1.kmu.ac.ir/article_90919.html
12. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*. 1970;30(3):607–10.
13. Larson JH, Anderson SM, Holman TB, Niemann BK. A longitudinal study of the effects of premarital communication, relationship stability, and self-esteem on sexual satisfaction in the first year of marriage. *J Sex Marital Ther*. 1998;24(3):193–206. <https://doi.org/10.1080/00926239808404933>
14. Bahrami N, Yaghoobzadeh A, Sharif Nia H, Soliemani M, Haghdoust A. Psychometric properties of the Persian version of Larson's Sexual Satisfaction Questionnaire in a Sample of Iranian infertile couples. *Iranian Journal of Epidemiology*. 2016;12(2):18–31. [Persian] <http://irje.tums.ac.ir/article-1-5513-en.html>
15. Gottman JM. Psychology and the study of marital processes. *Annu Rev Psychol*. 1998;49(1):169–97. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.49.1.169>
16. Bayat Mokhtari S. Asarbakhshi vagheiyat darmani gorouhi bar kaheshe talaghe atefi va piyamad haye ravanshenakhti [The effectiveness of group reality therapy on reducing emotional divorce and its psychological consequences] [Thesis for MSc]. [Mashhad, Iran]: Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad; 2012. [Persian]
17. Godbout N, Bakhos G, Dussault É, Hébert M. Childhood interpersonal trauma and sexual satisfaction in patients seeing sex therapy: examining mindfulness and psychological distress as mediators. *J Sex Marital Ther*. 2020;46(1):43–56. <https://doi.org/10.1080/0092623X.2019.1626309>
18. Besharat MA, Rafieezadeh B. Prediction of sexual satisfaction and marital adjustment levels according to job variables, commitment, intimacy, and sexual knowledge and attitude. *Family Psychology*. 2016;3(1):31–46. [Persian] https://www.ijfpjournal.ir/article_245509.html?lang=en
19. Neto MJ, Sequeira J, Massano-Cardoso I, Chambel MJ. Flexibility, cohesion and family satisfaction: The impact of conflict between work and family. *J Fam Ther*. 2021;43(4):773–92. <https://doi.org/10.1111/1467-6427.12322>
20. Quah SEL. Transnational divorces in Singapore: experiences of low-income divorced marriage migrant women. *J Ethn Migr Stud*. 2020;46(14):3040–58. <https://doi.org/10.1080/1369183X.2019.1585023>
21. Abazari M, Barati Ahmadabadi H. Naghshe vasete'ei talaghe atefi dar rabete beyn talaghe jensi va talaghe ravani dar zojeyn dar astaneyeh talagh [The mediating role of emotional divorce in the relationship between sexual divorce and psychological divorce in couples on the average of divorce]. In: The 6th Congress of Iranian Psychological Association [Internet]. Tehran, Iranian Psychological Association; 2017. [Persian]